




حرفه حسابداری ایران در آستانه بلوغ حرفه‌ای

سعید جمشیدی فرد 

شناسایی حرفه حسابداری

به‌طور متعارف، دانش و حرفه حسابداری و حسابرسی تحت تأثیر نیازهای به‌جا و درست محیط اقتصادی و کسب‌وکار، مہیای تغییر و تحول برای بهبود ایفای وظایف و البته توسعه تدریجی و اعتلاست. انعطاف حرفه برای تأمین نیازهای استفاده‌کنندگان از ادبیات و محصولات حرفه باید در چارچوب موازین اساسی و محکم شامل استانداردها صورت گیرد. خوشبختانه استحکام و اعتبار مبانی و منابع حسابداری به اندازه‌ای مقبولیت یافته که کم‌کم سیاستمداران، مقررات‌گذاران و اشخاص مؤثر عموماً مرزهای پررنگ آن را رعایت می‌کنند.

به اعتقاد من، حرفه حسابداری به معنای اعم آن را دیگر همه می‌شناسند و اظهار عدم‌شناخت آن از سوی اشخاص، به‌عنوان نقطه‌ضعف آنان تلقی می‌شود. پس اکنون می‌توان ادعا کرد که حسابداری در دوره بلوغ خود قرار دارد. با این وصف، زمانی می‌توانیم خود را در مسیر حرکت به‌سوی هدف آرمانی اعتلای حسابداری مطرح کنیم که به‌طور مستمر پاسخگوی به‌موقع نیازهای مشروع و معقول متقاضیان از طریق بهبود کیفی و کمی دانش و خدمات، پاسداری مسئولانه از اصول و موازین روشن و محکم تخصصی و اخلاقی و نهادینه کردن فضای حرفه و دانش حسابداری باشیم.



یک نگرانی دائمی

همواره وجود دارد که

سطح اهمیت

اصول و ضوابط حرفه‌ای

با وضع قانون و مقررات

نازل گردد

مالی و به کارگیری آن از این دست است. شاید یکی از مهمترین تحولات حرفه حسابداری در سال ۱۳۹۳ را باید گسترش تشکیل کمیته‌های حسابرسی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس و حتی دیگر شرکتهای و بازتعریف و هویت‌یابی حسابرسی داخلی دانست. با وجودی که برخی از صاحبان نظران، تشریفات و صوری بودن کمیته‌های حسابرسی را برجسته مطرح می‌کنند، اعتقاد دارم که برای ارزیابی این نهاد که با محوریت ادبیات و دانش حسابداری و حسابرسی ایجاد شده باید افق زمانی متناسبی را در نظر گرفت و در ظرف زمانی معقول، امکانات در اختیار و همپایی دیگر ارکان، قضاوت کرد. اینکه انتظار داشته باشیم که در سال اول به‌طور کیفی به پنج هدف محوری منشور کمیته در شرکتهای نائل آییم کاملاً غیراجرایی و نامعقول است. به‌نظرم دیگر راه برگشت و حذفی برای این نهاد نیست و وجودش تثبیت شده است. هویت عضو هیئت‌مدیره مالی، عضو مستقل کمیته‌ها که خوشبختانه به‌طور عمده از اعضای حرفه انتخاب می‌شوند، دستاوردهای مثبت و سازنده حرفه در سال جاری به سوی شفافیت و حرفه‌ای‌گری است.

کمیته حسابرسی

به‌نظر من کمیته حسابرسی مانند تقاطع ارتباطی است که ۳ جاده هیئت‌مدیره، حسابرس مستقل و حسابرس داخلی را با معیارهای حرفه‌ای به هم وصل می‌کند. بر این اساس اگر قوت یا ضعفی در کمیته‌ها مشاهده می‌شود، باید آن را در کیفیت این جاده‌ها جستجو کرد که خاکی است یا آسفالت و هموار. به یمن الزامهای راهبری شرکتی، تقاضا برای حسابرسان داخلی افزایش یافت و

چوب قانون

حرفه ما در طی این مسیر در معرض تهدیدها و خطرهایی از درون و بیرون قرار دارد. گاهی اوقات رفتار و عملکرد غیرمتعارف اشخاص، انتظارات از حسابداری را به‌طور غیرمعقول بالا می‌برد. این خطرهای زمانی بسیار نگران‌کننده می‌شود که محیط اقتصادی به‌طور اعم و بازارهای پول و سرمایه و سازوکار کسب‌وکار، با فشارهایی از محیط سیاسی به دلایل موجه و یا با توجیهاتی با ابزار وضع و قوانین و مقررات روبه‌روست؛ در حالی که در اصل طبع حرفه دانش و قاعده‌محور بوده و مبتنی بر میانی استدلالی است. اگرچه وجود اختلاف در منابع در شرایط متعارف متصور و مفهوم است، ولی در غیر این شرایط، تعارض بالقوه دانش محوری با مقررات محوری در نبود اقتدار قانونی کافی حرفه و ضعف پشتیبانی عمومی از آن، به نفع طرف مقررات گذار تمام می‌شود. شیوه‌های دستوری قیمت‌گذاری محصولات و مواد، تشخیص علی‌الرأس مالیات و واگذاری مسئولیتهای نامتناسب با اختیارها و امکانات به حسابرسان شامل انواع بازرسی و رسیدگی فرا استاندارد و تعیین، تشخیص و اعلام نامحدود تخلفهای مدیران و مجریان از سوی حسابرسان بدون حمایت‌های درخور اتکای قضایی و صنفی، از مصادیق خطرهای حرفه حسابداری و حسابرسی است.

با این حال، اعتقاد دارم قوانین و مقرراتی که در شرایط متعارف و معقول وضع می‌شود از مهمترین محرک‌های توسعه حرفه است. مقرراتی که به‌وسیله سازمان بورس و اوراق بهادار در خصوص راهبری شرکتی به مورد اجرا گذاشته شد یا جواز جایگزینی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری



اگر می‌خواهیم

در فعالیتهای اجتماعی

مشارکت کنیم

از مسائل فردی

و

بین خود

بگذریم و به

منافع جمع

اولویت دهیم

به واسطه ادبیات تخصصی و مقررات، جایگاه مدیر حسابرسی داخلی از سطحی نازل و پایینتر از دیگر مدیران به هویتی به حکم هیئت‌مدیره و جواز صلاحیتی کمیته حسابرسی، باز تعریف و جاری شد. بر این اساس، انتظارها نیز از نقش‌های بازرسی و رسیدگی‌های خاص به ایفای وظایف نظارتی بر فرایندها و کنترل‌های داخلی افزایش یافته است. حال حساب‌رسان مستقل نیز دریافته‌اند که باید به کمیته حسابرسی هم پاسخگو باشند. اگرچه تأخیر در ارسال گزارشها، ایراد در برنامه‌های حسابرسی داخلی و چک‌لیستها، بی‌میلی مدیران عامل و اجرایی به پاسخگویی به کمیته حسابرسی و ناآگاهی هیئت‌مدیره‌ها به واگذاری نقش نظارتی به تشکیلات تخصصی مشهود است، اما با تثبیت جایگاه کمیته حسابرسی و هویت حسابرسی داخلی، امید است که در سال آینده بتوان بر کیفیت وظایف این دو و دیگر ارکان تمرکز کرد.

رویکرد سازمان مالیاتی

در سال جاری، بازنگری و اصلاح دو سند قانونی یعنی مالیات‌های مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده مراحل پایانی خود را طی می‌کنند. اگرچه در مجموع اصلاحات به سمت بهبود نیل دارد، ولی نظام مالیاتی نگاه دوستانه‌ای به حرفه حسابداری نشان نمی‌دهد، تا حدی که عبارتهای استاندارد حسابداری و حسابرسی و تشکلهای حرفه‌ای را به حاشیه می‌راند و در صدد برجسته نمودن تشکل مشاوران مالیاتی است که بنای قانونگذار بر ورود آن به صحنه حسابرسی نبوده است؛ اما اکنون در ردیف جامعه حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی قرار می‌گیرد؛ تشکلی که بناست نمایندگی

مؤدیان در مقابل مرجع مالیاتی، آموزش و فرهنگ‌سازی را به عهده داشته باشد.

از سوی دیگر، زورآزمایی بین موضوعهای حرفه و مقررات را در تعویق استاندارد شماره ۱۵ حسابداری سرمایه‌گذارها تجربه کردیم که با وجود برنامه‌ریزیها در سازمان بورس و اوراق بهادار برای شفافیت بیشتر گزارشگری مالی و آمادگی نسبی تحلیلگران، ناشران بازار سرمایه و حساب‌رسان و همچنین اظهار اطمینان صاحب‌نظران سازمان امور مالیاتی در جلسه‌ها در مورد عدم تعلق مالیات نسبت به تفاوت ارزش روز و دفتری سرمایه‌گذارها شامل، در دقیقه ۹۰ شمول مالیات به‌طور رسمی از سوی سازمان امور مالیاتی اعلام شد و با تعویق زمان اجرای استاندارد در این خصوص، موضوع با عقب‌نشینی سازمان حسابرسی که البته تصمیم صحیحی بود، مسکوت ماند.

حال این پرسش و نگرانی جدی مطرح است که با وجود تصمیمهای لازم‌الاجرای برقراری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، مصوبات سازمان بورس و اوراق بهادار، اقدامهای سازمان حسابرسی در ترجمه و نشر آن، برگزاری سمینارهای متعدد و برنامه‌های آموزشی، آیا این موضوع نیز به سرنوشت استاندارد شماره ۱۵ دچار نمی‌شود؟ به اعتقاد من، اجرای این امر به تجویزهایی بالاتر از دستور وزیر امور اقتصادی و دارایی برای تبعیت سازمان امور مالیاتی نیاز دارد؛ مطلبی که در اصلاحات قانون مالیاتهای مستقیم در شرف تصویب، جایی ندارد.

مشارکت حرفه

یک نگرانی دائمی همواره وجود دارد که با توجه به ظرفیت نظام حقوقی کشورهایی مانند ایران، سطح اهمیت اصول و ضوابط

اعلام نظرها در موضوعهای جاری، شامل مراجع ذیصلاح (سازمان حسابرسی، سازمان بورس و اوراق بهادار، جامعه حسابداران رسمی، بانک مرکزی و یا سازمان امور مالیاتی)، ضرب‌الاجل زمانی، نحوه اعلان و انتشار نظرها مشخص شود.

کاریکاتور جامعه

با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید و طرح شعارهایی چون اهمیت به تشکلهای غیردولتی و مستقل، امیدواری درخور توجهی برای اصلاح پاره‌ای نگاه‌ها، عملکردها و مقررات مرتبط با حرفه حسابداری و حسابرسی به وجود آمد. جامعه حسابداران رسمی ایران که در سالهای اخیر به واسطه اساسنامه جدید از هویت قانونی خود دورتر شده بود، امیدوارانه‌تر به این ادعاها نگریست. اما پس از استقرار دولت یازدهم، هنوز پیامدهای محسوسی از تحقق شعارهای دولت برای تقویت تشکلهای غیردولتی، غیرانتفاعی و مستقل در حرفه حس نشده و انتظاراتی شکل غیردولتی حسابرسی کشور کماکان با همان ترتیب اداری و رفتاری بی‌پاسخ و اعتنا باقی مانده است.

تشکل حرفه‌ای که با وجود داشتن جواز قانونی موجودیتش به‌طور مکرر از طریق مقررات پایین‌دستی، برای خود و اعضای آن، مسئولیت وضع شده و نهادهای مشابه و مراجع موازی برایش تعیین می‌شود، از اعمال نظر در ورود اعضایش محروم بوده و ناظرین متعدد و لایه‌لایه‌ای برایش تعیین کرده و البته نقاط ضعفش به‌طور برجسته و غیرمنصفانه و بدون طرح درخواستهای سیاستگذاران جامعه به مقامها گزارش می‌شود. این وضعیت جامعه را به کاریکاتوری از یک تشکل غیردولتی و

حرفه‌ای با وضع قانون و مقررات پایین آمده و بنا باشد که انتظاراتی بخشهای سیاسی و غیراقتصادی با وضع الزامهایی بالاتر از استانداردها، تأمین شود. اگرچه در مشروعیت چنین اقدامی در اصل تردیدی نیست، ولی نگرانی آنجاست که از این مسیر خواسته‌های غیرمنطقی و مقطعی به جریان افتد.

مجموعه حرفه اعم از دولتی و غیردولتی و بخش علمی باید با توسعه و تبلیغ هرچه بیشتر دانش حسابداری و انعکاس نقش مثبت آن در شفافیت، پاسخگویی و برنامه‌ریزی اقتصادی به سیاستگذاران و سیاستمداران توجه دهند که قبل از دور زدن قواعد پذیرفته‌شده با تشکیلات حرفه‌ای نیز مشورت داشته باشند.

در این راستا، چابکی و سرعت در اعلام نظر نسبت به موضوعهای جاری محیط اقتصادی از سوی مراجع ذیصلاح و حرفه‌ای به بیرون از حرفه می‌تواند به بهبود این روند کمک کند.

نمونه‌ای از موضوعهای جاری، بحث ضوابط تجدید ارزیابی داراییها، نوسانهای نرخ ارز و چگونگی تسعیر و گزارشگری آن، استاندارد سرمایه‌گذارها و تأثیر نحوه شناسایی درآمد از جمله در پیمانهای درازمدت از بعد مالیات بر ارزش افزوده است که از یک سو نیاز به تفسیر، ارائه رهنمود و چگونگی اجرا در موقع لازم احساس می‌شود و از سوی دیگر هماهنگی مراجع ذیصلاح و اعلام نظر ضروری است. نقص در اعلام نظر به‌موقع و در بعضی موارد روشن نبودن جایگاه مقام ذیصلاح اظهارنظر، گاهی به حساب حسابرسان، به‌طور خاص و حرفه به‌طور کلی گذاشته می‌شود. بنابراین، ضروری است که چارچوب روشنتری برای

به نظر می‌رسد

حرفه حسابداری

در میان

اولویتهای دیگر دولت

گم شده است

مستقل بدل کرده است. به نظر می‌رسد حرفه حسابداری در حالی که می‌تواند بیشترین کمک را به دولت در برقراری سلامت و شفافیت مالی داشته باشد، در میان اولویتهای دیگر دولت گم شده و هنوز امکان برقراری ارتباط روشن و مستقیمی با دولت و وزارت امور اقتصادی و دارایی فراهم نشده است؛ غفلتی که فقط جامعه حرفه‌ای متضرر آن نیست.

هماهنگی تشکلهای حرفه‌ای

از نتایج دوره بلوغ حرفه، می‌توان به تشکیل انجمنها و تشکلهای حرفه‌ای و دانشگاهی مرتبط با حسابداری در سالهای اخیر اشاره کرد. کثرت انجمنها زمینه‌ای برای تخصصی و رقابتی شدن فعالیتها و توسعه دانش حسابداری است. اگرچه بنا نیست الزاماً این تشکلهای برای همه چیز با یکدیگر هماهنگی کنند، ولی در سال جاری رویارویی برخی انجمنها و ناهماهنگیها در برگزاری سمینارها و جلسه‌ها و نادیده گرفتن حریمها به چشم آمد.

به نظر، همه ما وظیفه داریم برای نهادینه کردن موضوعها، بحثها و تشکیلات حرفه‌ای تلاش کنیم، ولی مقدمه این کار گذشتن از خود و اهمیت به حرفه است. با وجود تشکیل انجمنها و پذیرش مسئولیت، تمرین جدی و کافی برای نمایندگی نهادها نداریم. در فرصتی که امسال برای حضور در کنگره بین‌المللی حسابداران در رم داشتیم، دیدم که بسیاری از مطالب و عنوانهای مطرح شده در نشستها با مسائلی که ما در ایران داریم، مشترک است؛ کمیته حسابرسی و استقلال اعضای آن، لزوم همراهی دولتها در شفافیت اطلاعاتی، حق الزحمه حسابرسی، تعامل تشکلهای حرفه‌ای، آموزش حسابداران، فناوری اطلاعات و نقش مدیران مالی، مسائل روز ما نیز هست. ولی مهمترین تفاوت در طرح این موضوعها، در حضور نهادینه آنان و ارائه فردی و شخصی ماست. حتی در مسئولیت نهادها و انجمنهایمان یا مؤسسه‌های حسابرسی، بعد شخصیتی افراد برجسته‌تر نشان داده می‌شود. این در حالیست که در سال جاری برای مثال انجمن حسابداران رسمی امریکا و انجمن حسابداران مدیریت انگلستان طرح ادغام خود را نهایی و در کنگره حضور ادغام‌شده‌ای با عنوان **سی‌جی‌ام‌ای (CGMA)** داشتند.

این ویژگی فردمحوری موجب می‌شود که امکان تعامل، هماهنگی و تعیین حوزه‌های مشخص به منظور پیشگیری از کار موازی و پرداختن به موضوعهای اساسی حرفه میسر نشود. در همین راستا، گاهی نظرخواهی از اشخاص حرفه‌ای و صاحب‌نظر در محیط حسابداری و مالی به حساب استعمال از نهادهای حرفه‌ای گذاشته می‌شود. بدیهی است که نظرهای شخصی حتی با وجود برخورداری از سمتهای سازمانی الزاماً منعکس‌کننده دیدگاه‌های نهادهای حرفه‌ای ذیصلاح نیست. توجه دادن مراجع بیرون از حرفه به دریافت نظر رسمی از تشکلهای و نهادها، به شناساندن حرفه کمک می‌کند.

به نظر این یک ضرورت عاجل است که تشکلهای حسابداری، شورای هماهنگی را سالانه برگزار کنند تا نیرو و انرژی حرفه هدر نرود. همچنین با وجود کمیت درخور توجه دانشجویان حسابداری، بالغ بر ۲۴۰ هزار نفر و حسابداران با تخمینی بالغ بر یک میلیون نفر، باید حدود حضور و فعالیت‌هایمان مشخص تر شود.

از سوی دیگر یکی از دغدغه‌های حسابداری، اختلاط نامشخص و آشفته حرفه و دانشگاه است. به نظر با کمیته که اشاره شد، پرداختن به کیفیت در دو محیط اشاره‌شده، منوط به تعیین شفاف جایگاه حسابدار حرفه‌ای، حسابدار در خدمت کسب‌وکار و البته دانشجوی و استاد حسابداری است. این به معنای نبود ارتباط نیست، بلکه برای اعتلای حرفه باید دغدغه‌هایی مانند برنامه درسی و محتوای آموزشی، نحوه آموزش چه در دانشگاه و چه در تشکل حرفه‌ای، زمان کار و تدریس، مسئولیتهای متعدد در بخشهای مختلف و البته زمان بازنشستگی را داشته باشیم.

در نبود مرزها و زمان حضور و فعالیت و نبود هماهنگی، تشکلهای نهادینه نشده و نه تنها در مسیر اعتلای حرفه گام بر نمی‌داریم، بلکه با طرح مسائل درون خانوادگی در رسانه‌های عمومی آن هم از سوی مدعیان رهبری جامعه حسابداری کشور، به حرفه ضربه می‌زنیم. فکر می‌کنم در دوره بلوغ وقت آن رسیده که اگر می‌خواهیم در فعالیتهای اجتماعی مشارکت داشته باشیم، از مسائل فردی و بین خود بگذریم و به منافع جمع اولویت دهیم که البته در این صورت، شخصاً هم لذت هم نفع می‌بریم.

